

تعاون و کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴

عوامل مربوط به موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب استان کرمان

مینا فاریابی^۱، مصطفی احمدوند^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی سازه‌های مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی جنوب استان کرمان به صورت پژوهشی توصیفی-پیمایشی، با مشارکت ۱۲۰ نفر از اعضای دو تعاونی موفق و ناموفق انجام گرفت. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته گردآوری شد. روایی پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان و پایایی آن نیز با انجام یک مطالعه پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۷-۰/۵۰) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS¹⁹ انجام گرفت. واکاوی مقایسه‌ای یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که سازه‌های ساختاری اولیه و فرهنگی - اجتماعی اولیه در مرحله ایجاد و تأسیس تعاونی‌ها؛ سازه‌های ساختاری (مدیریتی) ثانویه، فرهنگی - اجتماعی ثانویه و محیطی ثانویه در مرحله ثبات تعاونی‌ها؛ و سازه‌های سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد و ساختار شرکت تعاونی (مدیریت) در مرحله استمرار تعاونی‌ها مهم‌ترین سازه‌های مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها بودند. بنابراین، بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد شد کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی جهت توانمندسازی اعضا در قالب کار گروهی برگزار شود. همچنین گسترش فعالیت‌های تعاونی و توجه به نیازهای اعضا ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: تعاونی تولید روستایی، توسعه کشاورزی، موفقیت تعاونی، جنوب کرمان

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج

۲. دانشیار گروه توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج

مقدمه

تعاونی‌های تولیدی با سهمی معادل ۴۷ درصد از کل تعاونی‌ها، نزدیک به ۴۰ درصد از کل اشتغال ایجاد شده در بخش تعاون را به خود اختصاص داده‌اند که این امر مبین اهمیت و نقش مؤثر این تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲). از جمله اهداف و رسالت‌های مهم شرکت‌های تعاونی تولید روستایی عبارت‌اند از: همیاری و همکاری متقابل، ارتقای سطح دانش روستاییان، بهبود بهره‌وری منابع روستایی، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، برقراری توازن بین مناطق روستایی و شهری، ایجاد اشتغال، بهبود زندگی مادی و معنوی، توسعه کشاورزی پایدار، دستیابی به اعتبارات و تأمین نهاده‌ها، استفاده مشترک و بهینه از ماشین‌آلات، به کارگیری روش‌ها و فنون نوین، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش درآمد و سرمایه‌گذاری، حضور فعال و تأثیرگذار کشاورزان در توسعه روستاها و اقتصاد کلان کشور، کاستن از تنش‌های میان روستاییان، کاهش تصدیگری دولت در اداره امور کشور، تأمین امنیت غذایی، بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک، کاهش وابستگی وارداتی و غیره (لطیفیان، ۱۳۸۵: Hendrikse, 2005).

امروزه اکثر کشورهای جهان درصدد بهره‌برداری از تعاونی‌های تولید روستایی در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدارند. طبق برآورد فدراسیون بین‌المللی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، ۵۶۹ هزار نوع از این تعاونی‌ها در سراسر جهان فعالیت می‌کنند که ۵۰ درصد از تولید کشاورزی از طریق آنها بازاریابی می‌شود. برای مثال، در آمریکا تعاونی‌های کشاورزی حدود یک سوم از تولیدات مصرفی و نیازهای مالی را تأمین می‌کنند (Hardesty, 2006)؛ در کشور فرانسه حدود ۶۰ درصد از تولیدات کشاورزی توسط تعاونی‌های تولید صورت می‌پذیرد؛ در کشورهای کره و ژاپن ۹۰ درصد کشاورزان عضو تعاونی‌های تولید کشاورزی هستند؛ در برزیل تعاونی‌های تولید کشاورزی ۴۰ درصد از تولید ناخالص و ۶ درصد از صادرات کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند (ICA, 2010). از این رو، تعاون و همکاری متقابل می‌تواند زمینه‌های یگانگی هر چه بیشتر مردم را فراهم نماید. به همین دلیل در قانون اساسی به بخش تعاون در کنار بخش

دولتی و خصوصی توجه خاص شده است؛ زیرا تعاون و گسترش آن در کشور موجب رشد، توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شده و جامعه را به سوی استقلال و خودکفایی سوق خواهد داد (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱). در نتیجه، گسترش روزافزون این شکل‌ها در دنیای امروز گویای این مسئله است که تعاونی‌ها با توان بیشتری حیات اقتصادی، اجتماعی و طبیعی جوامع روستایی را تحت تأثیر قرار خواهند داد و از این رو، موجبات توسعه پایدار را فراهم خواهند آورد.

تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب استان کرمان، به عنوان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی کشور، نقش انکارناپذیری در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع روستایی آن ایفا می‌کنند. لذا بهره‌گیری از تمامی زمینه‌ها و ظرفیت‌های بالفعل این واحدهای اقتصادی، اجتماعی و شناخت دقیق مسائل و مشکلات و چالش‌های آنها و هدایت، حمایت و نظارت این سازمان‌های مردمی مسئله‌ای بسیار ضروری است. با این توضیحات، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که سازه‌های مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از لحاظ میزان فعالیت در جنوب کرمان کدام‌اند؟ در این راستا، اهداف ویژه زیر نیز دنبال خواهند شد:

- مقایسه و بررسی وضعیت تعاونی تولید روستایی موفق و ناموفق جنوب استان کرمان در مرحله شکل‌گیری و تأسیس؛

- مقایسه و بررسی وضعیت تعاونی تولید روستایی موفق و ناموفق جنوب استان کرمان در مرحله ثبات؛

- مقایسه و بررسی وضعیت تعاونی تولید روستایی موفق و ناموفق جنوب استان کرمان در مرحله استمرار؛

- شناسایی سازه‌ها و تعیین‌کننده‌های فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در جنوب استان کرمان.

امید است که با تجزیه و تحلیل موقعیت کنونی تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب استان کرمان و ارائه راهکارها در چنین شرایطی مسائل و تنگناهایی که شرکت‌های تعاونی تولید با آن

مواجهند، شناسایی شده و نسبت به حل آنها اقداماتی علمی و عملی صورت گیرد تا بدین طریق از یک سو مدیران تعاونی‌های تازه‌تأسیس با الهام از تجارب و شرایط موجود بتوانند کار خود را به نحو مطلوب آغاز نمایند و از سوی دیگر مدیران تعاونی‌های با سابقه پاسخگوی تعهدات و الزامات جدید و منطبق با مقتضیات زمان باشند (کمالیان، ۱۳۸۶).

پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد تعاونی‌های تولید روستایی مطالعات بسیاری انجام شده است که با استناد به این مطالعات می‌توان به یک چارچوب مفهومی کارآمد جهت شناسایی سازه‌های مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی رسید.

احمدپور و همکاران (۱۳۹۳) میزان موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام را در سطح خوب و مناسب ارزیابی کرده و عوامل مؤثر بر این موفقیت را عوامل اقتصادی، نگرشی، مدیریتی، آموزشی، شخصیتی و محیطی بیان کردند. کرمی و آگهی (۱۳۹۲) در پژوهشی بیان کردند که عوامل فرهنگی - اجتماعی دارای اثر مستقیم و عوامل مدیریتی و اقتصادی دارای اثر غیرمستقیم بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی می‌باشند. حیدری ساریان (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی را شامل چهار مؤلفه بهبود مدیریت داخلی، توانمندی‌های مشارکتی و انگیزشی، بهبود توانمندی‌های اقتصادی و بهبود آموزش و نظارت بر شمرده است. عیدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی مشارکت‌پذیری اعضا، آموزش و اطلاع‌رسانی به اعضا، و کارآفرینی و مدیریت خوب را از جمله عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها برشمرند. حضرتی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای بیان کردند که بخش تعاون توانایی حل مشکلات اقتصاد روستایی را دارد، اما برخی موانع موجب عدم پیشرفت کار آنها می‌شود که علاوه بر ضعف اقتصاد روستایی، ناشی از موانع ساختاری و ضعف سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای هستند. صفری و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای عوامل سه‌گانه ساختاری، محتوایی و محیطی را در موفقیت شرکت‌های تعاونی مصرف دخیل می‌دانند و نتیجه می‌گیرند عوامل محتوایی بیشترین تأثیر و

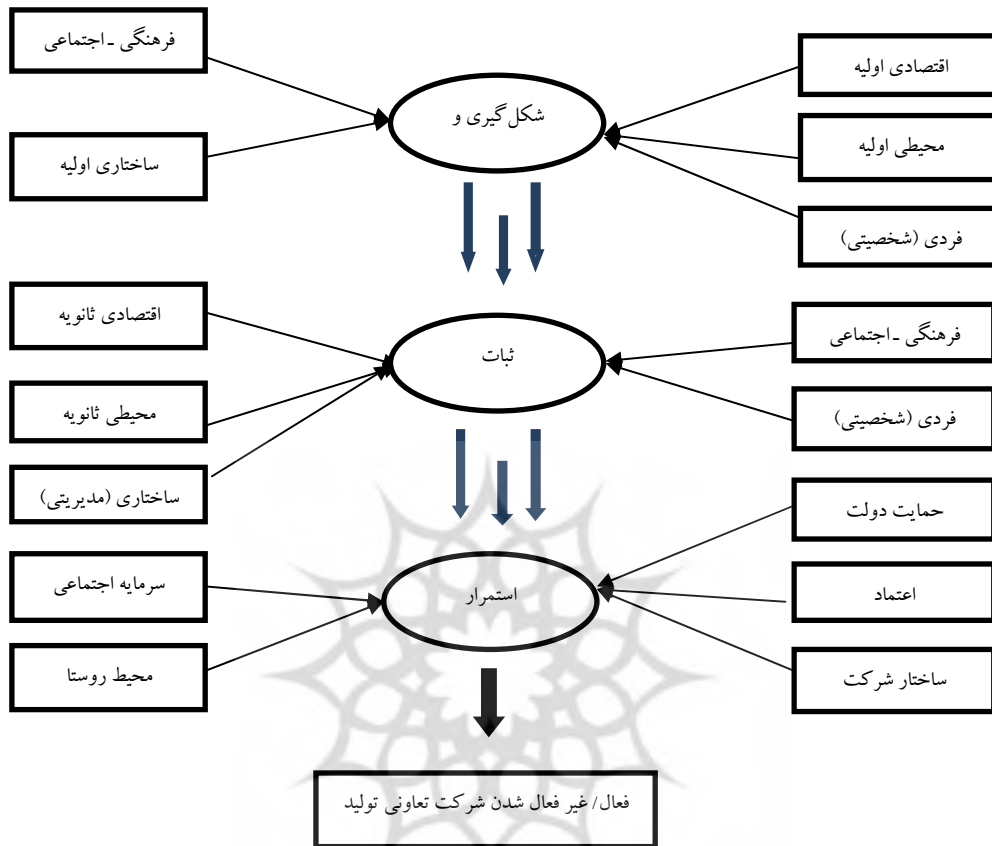
عوامل ساختاری کمترین تأثیر را دارند. نکویی‌نائینی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها را میزان ارتباط شرکت‌ها با سازمان‌های دولتی و غیردولتی، عملکرد سازمان تعاون روستایی در ابعاد کنترل، نظارت و آموزش، و سرمایه اعضای تعاونی‌ها برشمردند. حیدرپورتوتکله و همکاران (۱۳۸۷) متغیرهای موفقیت تعاونی‌های جنگل‌نشینان را در چهار عامل استفاده از نیروی اعضا در فعالیت‌های تعاونی، میزان کارکرد اعضا و کارکنان، نظارت و آموزش، و ارتباطات جمعی دسته‌بندی کردند. شجری و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی را میزان تحصیلات مدیرعامل شرکت، تعداد فعالیت‌های شرکت و فاصله شرکت تعاونی از مرکز شهر ذکر کردند. از دیدگاه طالب (۱۳۸۷)، موفقیت تعاونی‌ها در گروی توجه به چهار سازه بنیادی تلاش اقتصادی برای تأمین نیازها، توسعه همکاری‌های اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، ارتقای مشارکت دموکراتیک، آزادانه و داوطلبانه اعضا و بهبود سطح پذیرش مسئولیت اجتماعی در بین اعضاست.

امینی و خیاطی (۱۳۸۵) میزان موفقیت طرح تشکیل تعاونی‌های آب‌بران را به پنج شاخص آگاهی، مشارکت، مشوق‌های اقتصادی، مشوق‌های اجتماعی و ارتباط دوسویه سازمان‌ها با کشاورزان مربوط دانستند. امینی و رضانی (۱۳۸۵) در بررسی شرکت‌های تعاونی مرغداران استان‌های مازندران و گلستان به ترتیب، شناخت اعضا، مشارکت اعضا، میزان انتفاع اعضا از تعاونی و مهارت مدیران را دارای بیشترین تأثیر بر موفقیت برشمردند. آنها همچنین میزان موفقیت تعاونی‌ها را با عواملی همچون میزان بهره‌مندی اعضا از آموزش، مشارکت اعضا، مهارت فنی و تخصصی هیئت مدیره و شناخت اعضا از اصول تعاون در ارتباط دانسته‌اند. شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵) چهار سازه بهبود محیط روان‌شناختی و انگیزشی تعاونی‌ها، برخورداری از محیط توانمندساز و پشتیبان بیرونی، افزایش توانمندی‌های مدیریتی و سازمانی شرکت‌ها، و بهبود توانمندی‌های بازاریابی و بازاریابی را عوامل موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران می‌دانند. صدیقی و درویش‌نیا (۱۳۸۱) در مطالعه خود میزان مشارکت اعضا، رضایت‌مندی اعضا و کیفیت فعالیت‌های آموزشی - ترویجی را از جمله دلایل موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

می‌دانند. از دیدگاه حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، مهم‌ترین شاخص‌ها برای شناسایی موفقیت تعاونی‌ها را می‌توان در شش بعد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی، فردی و آموزشی تقسیم‌بندی کرد. از مهم‌ترین شاخص‌ها هم به اشتغال‌زایی، سودآوری، سطح تحصیلات مدیران و اعضا، تخصص مدیران و اعضا، تداوم فعالیت شرکت تعاونی و میزان مشارکت و رضایت اعضا اشاره شد.

بریسکو (Briscoe, 2010) در مطالعه‌ای بی‌توجهی به آموزش اعضا، عدم ارتباط درونی و عاطفی، بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی و عدم اعمال رهبری پویا توسط هیئت مدیره را از موانع مؤثر در موفقیت تعاونی‌های تولیدی می‌داند. الکساندر (Alexander, 2009) در پژوهشی بیان کرد که بین روحیه جمع‌گرایی، میزان سطح تحصیلات و میزان سابقه مدیریتی با میزان موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. آدرینا و وادگرین (Adrina & Wade Green, 2001) نیز در پژوهشی نبود تشریک مساعی و همکاری اعضا را از موانع موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی ذکر کردند. آبوت (Abbot, 2006) هم میزان همکاری سازمان‌ها و نهادها، تجدیدنظر در قوانین تعاونی و استفاده از دیدگاه‌های علمی اساتید مجرب دانشگاهی در حوزه تعاونی‌های تولیدی روستایی را از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی دانستند. کریشنا راج (Krishnaraj, 2005) در پژوهش خود، تقویت انسجام کارکردی مؤثر بین اعضای شرکت‌های تعاونی، تقویت میزان بهره‌مندی اعضا از آموزش، و ارتقای مشارکت اعضا در امور تعاونی را از عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی برشمرد.

با استناد به پیشینه تحقیق می‌توان چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را به صورت شکل ۱ ارائه نمود. همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌گردد، مراحل حیات و فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی به سه دوره شکل‌گیری و تأسیس، ثبات و استمرار قابل تفکیک است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

سازه‌های مؤثر در تأسیس یک تعاونی تولید روستایی شامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی، ساختاری، فردی می‌باشند. در مرحله ثبات تعاونی تولید نیز سازه‌های بالا به نوعی دیگر ظاهر شده و موجبات ثبات یا بی‌ثباتی تعاونی را فراهم می‌نمایند. پس از این مرحله، تعاونی و فعالیت‌های آن استمرار می‌یابد و به مرحله سوددهی و توسعه فرایند تولیدات کشاورزی می‌رسد. افزون بر این، در مرحله استمرار نیز بر عملکرد و گستره فعالیت تعاونی تولید روستایی تعیین‌کننده‌های گوناگونی مؤثرند که سازه‌های حمایت دولت، سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد و ساختار شرکت را می‌توان نام برد.

روش‌شناسی تحقیق

استان کرمان از وسیع‌ترین استان‌های کشور می‌باشد که جنوب آن با وسعتی معادل ۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع جزئی از ناحیه جنوب‌شرقی ایران محسوب می‌شود. این منطقه با هفت شهرستان جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، منوجان، رودبار جنوب، قلعه‌گنج و فاریاب جمعاً شامل ۱۰ شهر، ۱۴ بخش، ۴۵ دهستان، ۳۹۰۱ آبادی است. جمعیتی بالغ بر ۷۰۰۰۰۰ نفر در این منطقه سکونت دارند که بیش از چهار میلیون تن انواع محصولات کشاورزی و دامی شامل ۸۵ گونه محصول زراعی و باغی با کیفیت مطلوب تولید می‌کنند. در افق ۱۴۰۰، زمینه مساعد برای افزایش سطح زیر کشت به ۸۵۰ هزار هکتار و رسیدن حجم تولید به بیش از سه برابر وضعیت کنونی موجود است. گفتنی است این پتانسیل توسعه در کمتر جایی از کشور فراهم می‌باشد. این منطقه حدود ۶۷ درصد از کل تولیدات کشاورزی و دامی استان و حدود ۴ درصد از تولید کشور را به خود اختصاص داده و به تنهایی در ده محصول کشاورزی رتبه اول تا سوم تولید و سطح زیر کشت کشور را دارا می‌باشد. در نتیجه، جنوب استان کرمان به دلایل متعددی همچون افزایش روزافزون جمعیت، عدم اشتغال کافی و شرایط خاص آب و هوایی و نیز محدودیت‌های منابع آبی، از جمله مناطقی است که به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های توسعه کشاورزی، نیاز به تجدید نظر اساسی در ساختار نظام کشت دارد. در این راستا، توسعه کشت محصولات در قالب تعاونی‌های تولیدی را می‌توان راهکاری مناسب دانست (سالنامه آماری استان کرمان، ۱۳۹۳).

در جنوب کرمان تعداد ۱۹ تعاونی تولید روستایی وجود دارد که در مجموع ۶۲۹۳ عضو دارند. براساس گزارش سازمان تعاون روستایی جنوب استان کرمان (۱۳۹۰) و با توجه به دیدگاه کارشناسان، حدود ۱۳ تعاونی دارای فعالیت بالا و جزو تعاونی‌های موفق و ۶ تعاونی دیگر به صورت نیمه فعال یا ناموفق بوده‌اند. بر اساس نمونه‌گیری حد بالا و پایین (یک حد بالا و یک حد پایین)، از بین ۱۳ شرکت فعال و موفق، یک تعاونی و از میان شش تعاونی نیمه فعال و ناموفق نیز یک تعاونی انتخاب شدند. به این ترتیب، تعداد اعضای تعاونی فعال و موفق ۳۶۰ نفر و تعداد اعضای تعاونی نیمه فعال و ناموفق ۵۰۰ نفر بودند که در مجموع ۱۲۰ نفر از اعضای هر دو تعاونی

تولید روستایی (۵۰ نفر از تعاونی موفق و ۷۰ نفر از تعاونی ناموفق) به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱. جامعه و نمونه آماری

نوع شرکت	تعداد	تعداد کل اعضا	نمونه	تعداد اعضا	تعداد نمونه	تعداد نمونه مطالعه شده
شرکت‌های موفق	۱۳	۲۵۴۰	۱	۳۶۰	۵۹	۵۰
شرکت‌های ناموفق	۶	۱۰۸۹	۱	۵۰۰	۷۹	۷۰
جمع کل	۱۹	۳۶۲۹	۲	۸۶۰	۱۳۸	۱۲۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

این پژوهش بر مبنای هدف، کاربردی بوده و با روش پیمایش صورت پذیرفت. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام شد که حاوی سؤالات بسته‌ای در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی شده بود. پرسش‌نامه مذکور از سه بخش اصلی و مجزای شکل‌گیری و تأسیس، ثبات و استمرار تشکیل شده بود و در هر بخش وضعیت هر کدام از سازه‌ها و تعیین‌کننده‌ها در حال حاضر (زمان تحقیق) و همچنین میزان تأثیر آنها در فعالیت شرکت مورد بررسی قرار گرفت. سه بخش اصلی پرسش‌نامه عبارت بودند از: بخش اول، تعیین‌کننده‌های مؤثر بر شکل‌گیری و تأسیس شرکت تعاونی و دارای پنج زیر بخش اقتصادی اولیه، فردی (شخصیتی) اولیه، ساختاری اولیه، محیطی اولیه و فرهنگی - اجتماعی اولیه بود. بخش دوم، تعیین‌کننده‌هایی مؤثر بر ثبات یک شرکت تعاونی و شامل پنج زیر بخش تعیین‌کننده‌های اقتصادی ثانویه، فردی ثانویه، ساختاری (مدیریتی) ثانویه، محیطی ثانویه و فرهنگی - اجتماعی ثانویه بود. بخش سوم نیز تعیین‌کننده‌های مؤثر بر استمرار شرکت‌های تعاونی تولید مشتمل بر پنج سازه حمایت‌های دولت، سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد اعضا به یکدیگر، و ساختار شرکت بود. در بخش دیگر پرسش‌نامه نیز ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضا و ویژگی‌های تعاونی مورد بررسی قرار گرفت. روایی صورتی پرسش‌نامه با کسب نظرات اساتید و صاحب نظران و اعمال اصلاحات لازم تأیید

شد. پایایی پرسش‌نامه نیز با انجام یک مطالعه پیش‌آزمون در محدوده خارج از تعاونی‌های مورد مطالعه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ در همه موارد بالای ۰/۵۰ به دست آمد که مقدار آن برای هر بخش از پرسش‌نامه در جدول ۲ آمده است. داده‌ها پس از گردآوری، کدگذاری و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS¹⁹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از آزمون‌های فراوانی، مقایسه میانگین‌ها، تحلیل ممیزی و دیگر آماره‌ها برای تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد.

جدول ۲. پایایی مؤلفه‌های پرسش‌نامه وضعیت موجود

ضریب آلفا	موارد	ضریب آلفا	موارد
۰/۹۱۸	سرمایه اجتماعی	۰/۷۵۸	اقتصادی اولیه
۰/۷۵۷	محیط روستا	۰/۷۱۸	فردی اولیه
۰/۹۵۰	اعتماد	۰/۷۴۸	ساختاری اولیه
۰/۷۳۶	ساختار شرکت	۰/۵۰۸	محیطی اولیه
۰/۹۶۲	بستر سازی	۰/۸۴۲	فرهنگی - اجتماعی اولیه
۰/۹۰۵	کاشت	۰/۶۵۲	اقتصادی ثانویه
۰/۹۱۳	داشت	۰/۸۹۴	ساختاری ثانویه
۰/۸۹۱	برداشت	۰/۷۰۷	فردی ثانویه
۰/۹۷۳	پس از برداشت	۰/۹۰۰	فرهنگی - اجتماعی ثانویه
۰/۹۶۰	خدمات ترویجی و مشاوره‌ای	۰/۶۵۴	محیطی ثانویه
		۰/۸۲۳	حمایت دولت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

اکثر افراد مورد مطالعه در این پژوهش (۸۵ درصد) را اعضای عادی شرکت تشکیل دادند (جدول ۳). ۸۶/۷ درصد (۱۰۴ نفر) مرد و ۱۳/۳ درصد (۱۶ نفر) زن بودند. میانگین سنی افراد ۴۲ سال، با انحراف معیار ۱۱/۲۳ بود. جوان‌ترین عضو این تعاونی‌ها ۲۳ سال و مسن‌ترین آنها ۷۰ سال

سن داشت. از نظر تحصیلات بیش از نیمی از آنها (۵۰/۸ درصد) بدون تحصیلات بودند. ۹۸/۳ درصد اعضای تعاونی‌های مورد مطالعه در روستای تحت پوشش تعاونی و ۱/۷٪ باقیمانده در شهر نزدیک به روستای مربوطه سکونت داشتند. ۱۳/۳ درصد از اعضای تعاونی‌ها تمایل به عضویت در تعاونی‌ای غیر از تعاونی خود در صورت تشکیل داشتند که این موضوع عدم رضایت این گروه از اعضا را از تعاونی خود نشان داد.

جدول ۳. وضعیت اعضای مورد مطالعه در تعاونی‌های تولید روستایی

ردیف	وضعیت اعضا در شرکت	فراوانی ساده	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	فراوانی تجمعی
۱	عضو عادی	۱۰۲	۸۵	۸۵	۸۵
۲	عضو هیئت رئیسه	۱۶	۱۳/۳	۱۳/۳	۹۸/۳
۳	مدیر عامل	۲	۱/۷	۱/۷	۱۰۰
	جمع کل	۱۲۰	۱۰۰	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تعیین‌کننده‌های فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی

همان‌گونه که در پیشینه پژوهش آمد، چرخه حیات هر تعاونی تولید روستایی به سه دوره شکل‌گیری و تأسیس، ثبات، و استمرار قابل تفکیک است (شکل ۱). در ادامه، تعیین‌کننده‌های مذکور در تعاونی موفق و ناموفق بررسی و مقایسه شدند.

الف) تعیین‌کننده‌های مرحله شکل‌گیری و تأسیس

سازه‌های این مرحله به پنج دسته اقتصادی اولیه، فردی (شخصیتی) اولیه، ساختاری اولیه، محیطی اولیه، و فرهنگی - اجتماعی اولیه تقسیم شدند. یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در مرحله شکل‌گیری و تأسیس، از بین تمامی سازه‌ها بین دو گروه تعاونی‌های موفق و ناموفق، سازه‌های ساختاری اولیه و فرهنگی - اجتماعی اولیه دارای تفاوت معنی‌داری بودند. در این راستا، آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد که تعاونی‌های موفق و ناموفق از لحاظ ساختاری تفاوت

معنی داری داشتند (سطح معنی داری: ۰/۰۳) به طوری که در شرکت‌های موفق (میانگین: ۳/۴۷) شرایط و بستر ساختاری منسجم‌تری نسبت به شرکت‌های ناموفق (میانگین: ۳/۲۰) فراهم بود. این یافته‌ها با یافته‌های مطالعه امینی و اسماعیلی (۱۳۸۷) و مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) همخوانی دارد که نشان دادند ساختار شرکت بر فعالیت آن تأثیر مثبت و مستقیم دارد. همچنین دو تعاونی موفق و ناموفق از لحاظ موقعیت فرهنگی - اجتماعی دارای تفاوت معنی دار بودند (سطح معنی داری: ۰/۰۰۱). یافته‌ها نشان داد که شرایط فرهنگی - اجتماعی اولیه تعاونی موفق (میانگین: ۳/۶۰) شامل دانش و آگاهی اعضا، روحیه کار گروهی، رضایت، مشارکت، اعتماد اعضا، پابندی به اصول و ارزش‌های شرکت و آموزش اولیه بیش از تعاونی ناموفق (میانگین: ۳/۱۵) بوده است. کارلو و همکاران (Carlo et al., 2000) نیز به این نتیجه رسیدند که عوامل فرهنگی (روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، عدم مسئولیت‌پذیری اعضا، ناآگاهی اعضا و غفلت از اصول تعاون) عامل اصلی عدم موفقیت تشکل‌های کشاورزی است. افزون‌بر این، این یافته‌ها با یافته‌های مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱)، که شرایط فرهنگی - اجتماعی نخستین را در فعال و غیرفعال بودن شرکت‌های کشاورزی مؤثر دانسته‌اند، همخوانی دارد.

از نظر وضعیت اقتصادی اولیه (سطح معنی داری: ۰/۴۳) و فردی اولیه (سطح معنی داری: ۰/۳۸) در بین دو گروه تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معنی داری وجود ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱)، که بیان کردند وضعیت اقتصادی و فردی اولیه در تشکیل شرکت‌های فعال و غیرفعال تأثیر بسزایی ندارد، همخوانی دارد و با یافته‌های سرسختی عراقی (۱۳۷۴)، که نشان داد عوامل فردی نظیر تجربه تأثیر محسوسی بر موفق یا ناموفق بودن تشکل‌ها نداشته‌اند، همسوست.

از لحاظ وضعیت محیطی اولیه (سطح معنی داری: ۰/۹۲) نیز در بین دو گروه تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معنی داری وجود ندارد. این یافته با یافته‌های مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱)، که وضعیت محیطی اولیه را در فعال یا غیرفعال بودن شرکت‌ها مؤثر دانستند، همخوانی ندارد؛ به عبارت دیگر، تعاونی‌های موفق و ناموفق از نظر شرایط اقتصادی اولیه، فردی اولیه و

محیطی اولیه دارای شرایط تقریباً یکسانی بوده‌اند. بنابراین، چنین استنباط می‌گردد که در مرحله شکل‌گیری تعاونی تولید روستایی وضعیت ساختاری و فرهنگی - اجتماعی بسیار حائز اهمیت است.

جدول ۴. وضعیت تعیین‌کننده‌ها در مرحله شکل‌گیری و تأسیس تعاونی‌های تولید روستایی

متغیرها	موفق		ناموفق		سطح معنی‌داری
	میانگین	SD	میانگین	SD	
اقتصادی اولیه	۲/۲۸	۰/۶۳	۲/۳۸	۰/۶۵	۰/۴۳
فردی اولیه	۳/۵۸	۰/۵۹	۳/۴۸	۰/۵۶	۰/۳۸
ساختاری اولیه	۳/۴۷	۰/۷۵	۳/۲۰	۰/۶۳	۰/۰۳
محیطی اولیه	۳/۱۰	۰/۵۳	۳/۱۱	۰/۴۹	۰/۹۲
فرهنگی - اجتماعی اولیه	۳/۶۰	۰/۵۷	۳/۱۵	۰/۵۹	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است.

ب) تعیین‌کننده‌های مرحله ثبات

پس از مرحله تشکیل، که فراز و نشیب‌های فراوان دارد، تعاونی وارد مرحله ثبات می‌گردد. در مرحله ثبات، دوام و پایداری تعاونی مد نظر است. لذا سازه‌های اقتصادی، فردی، ساختاری (مدیریتی)، محیطی، و فرهنگی - اجتماعی در نظر گرفته شدند، لیکن از نظر محتوایی قدری متفاوت با سازه‌های مرحله پیشین بودند. بر همین اساس به این دسته از متغیرها، متغیرهای ثانویه اطلاق شد. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد که از نظر وضعیت اقتصادی (سطح معنی‌داری: ۰/۹۳۱) در مرحله ثبات بین تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. این بدان معناست که هر دو شرکت از لحاظ منابع و تجهیزات، تسهیلات و تحلیل اقتصادی فعالیت‌ها در شرایط تقریباً یکسانی قرار داشتند. این یافته‌ها با یافته‌های مطالعه برونس

(Bruynis, 1997)، سرسختی عراقی (۱۳۷۴) و مهدیان بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) همخوانی ندارد.

از نظر تعیین‌کننده‌های فردی ثانویه نیز تفاوت معنی‌داری بین تعاونی موفق و ناموفق وجود نداشت (سطح معنی‌داری: ۰/۶۹۶). در واقع، سازه‌های فردی ثانویه، که شامل هم‌جنس بودن اعضا، سن، روحیه کارآفرینی، خوداتکایی و خودیاری، پشتکار فردی، قناعت طلبی، قدرت صبر و تحمل، مهارت‌های فردی و تخصصی، قدرت خلاقیت و ریسک‌پذیری اعضا بود در هر دو تعاونی موفق و ناموفق دارای شرایط تقریباً همسانی بودند. این نتایج با یافته‌های سرسختی عراقی (۱۳۷۴) و مهدیان بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱)، که نشان دادند ویژگی‌های فردی اعضا در موفقیت شرکت‌ها مؤثر است، همخوانی ندارد.

با توجه با یافته‌های جدول ۴ می‌توان استنباط نمود که از لحاظ مدیریتی بین دو تعاونی موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری وجود دارد (سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۱) به گونه‌ای که تعاونی موفق از شرایط مدیریتی مناسب‌تر (میانگین: ۳/۳۸) در مقایسه با تعاونی ناموفق (میانگین: ۲/۳۸) برخوردار بود. این یافته با یافته‌های مطالعه از کیا (۱۳۸۲)، کوپایی (۱۳۸۶) و مهدیان بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) در خصوص تأثیر نوع مدیریت بر بهره‌وری شرکت همسوست.

از نظر وضعیت سازه‌های فرهنگی - اجتماعی ثانویه، شامل مشارکت اعضا، اعتماد اعضا به یکدیگر، روحیه کارگروهی بین اعضا، دانش و آگاهی اعضا، میزان رضایت اعضا از عضویت، داشتن یک گروه منسجم و هم‌رأی و آموزش‌های دوره‌ای جهاد کشاورزی برای اعضا در بین تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری وجود دارد (سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۱) به طوری که تعاونی موفق در شرایط فرهنگی - اجتماعی مناسب‌تری (میانگین: ۳/۷۲) نسبت به تعاونی ناموفق (میانگین: ۲/۸۳) قرار داشت. این نتایج با نتایج مطالعه مهدیان بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

از لحاظ وضعیت محیطی ثانویه در مرحله ثبات، تعاونی‌های روستایی موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری بودند (سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۱) به گونه‌ای که تعاونی موفق دارای

وضعیت محیطی بهتری (میانگین: ۳/۵۴) نسبت به تعاونی ناموفق (میانگین: ۳/۲۲) بود. در نتیجه تعاونی موفق از نظر ساختار محیطی در موقعیت مطلوب‌تری نسبت به تعاونی ناموفق قرار دارد. بنابراین، می‌توان استنباط نمود که از تعیین‌کننده‌های مهم فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی در مرحله ثبات، وجود شرایط مدیریتی، فرهنگی - اجتماعی و محیطی مناسب است.

جدول ۵. وضعیت تعیین‌کننده‌ها در مرحله ثبات تعاونی‌های تولید روستایی

متغیرها	موفق		ناموفق		سطح معنی‌داری
	میانگین	SD	میانگین	SD	
اقتصادی ثانویه	۲/۵۲	۰/۶۵	۲/۵۳	۰/۴۹	۰/۹۳۱
ساختاری (مدیریتی) ثانویه	۳/۳۸	۰/۶۷	۲/۳۸	۰/۴۸	۰/۰۰۱
فردی ثانویه	۳/۳۷	۰/۶۱	۳/۴۱	۰/۳۹	۰/۶۹۶
فرهنگی - اجتماعی ثانویه	۳/۷۲	۰/۶۵	۲/۸۳	۰/۴۴	۰/۰۰۱
محیطی ثانویه	۳/۵۴	۰/۵۳	۳/۲۲	۰/۴۷	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است.

ج) تعیین‌کننده‌های مرحله استمرار

این نوع سازه‌ها با دو مرحله قبل کاملاً متفاوت هستند. در این پژوهش، این سازه‌ها در پنج دسته حمایت‌های دولت، سرمایه اجتماعی، محیط روستا، سازه اعتماد و ساختار شرکت (مدیریت) تعاونی گروه‌بندی شدند. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد که از میان این سازه‌ها در مرحله استمرار شرکت، سازه حمایت دولت (سطح معنی‌داری: ۰/۳۳۹) در دو تعاونی موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ به عبارتی، دو تعاونی از لحاظ دریافت اعتبارات و وام، کمک‌های بلاعوض دولتی، دریافت ماشین‌آلات دولتی، بستن قرارداد با سازمان‌های دولتی و واگذاری خصوصی خدمات به شرکت در وضعیت تقریباً یکسانی قرار داشتند. این یافته‌ها با یافته‌های مطالعه مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) و بهرامی (۱۳۸۶) در رابطه با تأثیر حمایت دولت بر

موفقیت شرکت همخوانی ندارد. از نظر سرمایه اجتماعی بین دو تعاونی موفق و ناموفق تفاوت معنی داری وجود داشت (سطح معنی داری: ۰/۰۰۱) به گونه‌ای که تعاونی موفق از شرایط اجتماعی مناسب‌تر (میانگین: ۴/۲۶) در مقایسه با تعاونی ناموفق (میانگین: ۳/۱۶) برخوردار بود. این نتیجه با یافته مطالعه مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) و سرسختی عراقی (۱۳۷۴) مبنی بر تأثیر مثبت سرمایه و عوامل اجتماعی بر موفقیت شرکت‌ها همسوست.

از لحاظ عوامل درون محیط روستا در مرحله استمرار بین دو تعاونی موفق و ناموفق تفاوت معنی داری وجود دارد (سطح معنی داری: ۰/۰۰۱) که نشان می‌دهد پذیرش شرکت در محیط روستا، مشارکت مردم با شرکت و میزان نیاز روستا به شرکت در تعاونی موفق (میانگین: ۴/۶۸) بیش از تعاونی ناموفق (میانگین: ۴/۰۶) بود. این نتایج با یافته‌های مطالعه مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) و بذرافشان و شاهین (۱۳۸۹) مبنی بر رابطه مستقیم عوامل محیطی با موفقیت شرکت همسوست.

عامل دیگر سازه اعتماد است که در دو تعاونی موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی دار بود (سطح معنی داری: ۰/۰۰۱) به شکلی که تعاونی موفق از نظر شرایط سازه اعتماد مناسب‌تر (میانگین: ۴/۴۵) از تعاونی ناموفق (میانگین: ۳/۰۵) بود. این یافته با نتیجه مطالعه مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) همخوانی ندارد.

از لحاظ ساختاری (مدیریت) نیز دو تعاونی موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی داری بودند (سطح معنی داری: ۰/۰۰۵). بدین ترتیب تعاونی موفق در شرایط ساختاری مطلوب‌تر و منسجم‌تری (میانگین: ۳/۴۹) نسبت به تعاونی ناموفق (میانگین: ۳/۱۷) قرار داشت. این نتیجه با یافته مطالعه ازکیا (۱۳۸۲)، مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) و مختاری و همکاران (۱۳۸۷) مبنی بر رابطه مستقیم مدیریت با موفقیت شرکت همسوست. بنابراین، در موفقیت و استمرار شرکت می‌بایست سازه‌های سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد و ساختار (مدیریت) آن شرکت را در نظر گرفت.

جدول ۶. وضعیت تعیین کننده‌ها در مرحله استمرار تعاونی‌های تولید روستایی

متغیرها	موفق		ناموفق		آماره t	سطح معنی داری
	میانگین	SD	میانگین	SD		
حمایت دولت	۱/۸۳	۰/۸۷	۱/۷۰	۰/۴۸	-۰/۹۶	۰/۳۳۹
سرمایه اجتماعی	۴/۲۶	۰/۶۷	۳/۱۶	۰/۵۴	-۹/۸۶	۰/۰۰۱
محیط روستا	۴/۶۸	۰/۵۴	۴/۰۶	۰/۷۰	-۵/۱۹	۰/۰۰۱
اعتماد	۴/۴۵	۰/۵۵	۳/۰۵	۰/۶۳	-۱۲/۴۲	۰/۰۰۱
ساختار شرکت	۳/۴۹	۰/۶۵	۳/۱۷	۰/۴۷	-۲/۹۰	۰/۰۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است.

د) تعیین کننده‌های فعالیت تعاونی‌ها

این سازه‌ها در شش دسته بسترسازی، کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و خدمات ترویجی گروه‌بندی شدند. یافته‌های جدول ۷ نشان داد که وضعیت این ۶ سازه در بین تعاونی‌های تولید روستایی دارای تفاوت معناداری بود (سطح معنی داری: ۰/۰۰۱)؛ در نتیجه، تعاونی موفق از نظر تمامی شرایط بسترسازی، کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و خدمات ترویجی در مقایسه با تعاونی ناموفق در موقعیت مناسب‌تری قرار داشت.

جدول ۷. وضعیت تعیین کننده‌ها در فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی

متغیرها	موفق		ناموفق		آماره t	سطح معنی داری
	میانگین	SD	میانگین	SD		
بسترسازی	۴/۱۲	۰/۹۱	۲/۱۴	۰/۵۷	-۱۳/۴۷	۰/۰۰۱
کاشت	۳/۹۲	۰/۷۷	۲/۸۳	۰/۴۸	-۸/۷۳	۰/۰۰۱
داشت	۳/۷۰	۰/۹۰	۲/۵۲	۰/۵۳	-۸/۲۱	۰/۰۰۱
برداشت	۳/۲۲	۱/۲۲	۱/۸۴	۰/۴۹	-۷/۵۶	۰/۰۰۱
پس از برداشت	۲/۷۰	۱/۴۵	۱/۱۷	۰/۲۵	-۷/۳۴	۰/۰۰۱
خدمات ترویجی	۲/۶۴	۱/۱۹	۱/۰۹	۰/۲۸	-۸/۹۸	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است.

مدل تعیین کننده موفقیت تعاونی تولید روستایی

جهت بررسی میزان نفوذ سازه‌های متفاوت در موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی روش‌های مختلفی توسط محققین مختلف ارائه شده است، اما در این بخش از مطالعه برای تبیین میزان نفوذ سازه‌ها از روش آماری تحلیل ممیزی^۱ استفاده گردید. در پژوهش حاضر به جهت تبیین میزان نفوذ، فرض شد که تعاونی تولید روستایی به دلیل عدم مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، نبود زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین منابع مورد نیاز، عدم دانش مناسب در رابطه با فعالیت‌های کشاورزی و عدم حمایت مناسب از سوی دولت دچار رکود شده است. بنابراین، سازه‌های متفاوتی از جمله حمایت‌های دولت (X_1)، سرمایه اجتماعی (X_2)، محیط روستا (X_3)، اعتماد (X_4)، ساختار شرکت (X_5)، فعالیت‌های بسترسازی (X_6)، کاشت (X_7)، داشت (X_8)، برداشت (X_9)، پس از برداشت (X_{10}) و خدمات ترویجی، آموزشی و مشاوره‌ای (X_{11}) به عنوان سازه‌های مؤثر در پیش‌بینی موفقیت یا عدم موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی وارد الگو شدند. اولین گام در تحلیل ممیزی، تعیین تابع استاندارد شده ممیزی برای الگوی مورد نظر می‌باشد. تابع استاندارد شده ممیزی حاصل از تحلیل ممیزی مربوط به عملکرد به صورت زیر می‌باشد:

$$D = -0.087(x_1) + 0.428(x_2) + 0.102(x_3) + 0.651(x_4) - 0.622(x_5) + 0.562(x_6) - 0.608(x_7) - 0.122(x_8) + 0.167(x_9) + 0.515(x_{10}) + 0.572(x_{11})$$

$$\text{Wilks' Lambda} = 0.216 \quad \text{Chi-Square} = 172/290 \quad \text{Sig.} = 0.0001$$

در این تابع بر اساس شاخص لامبدای ویلکز، مقدار مربع‌کای حاصل از آن و با توجه به سطح معنی‌داری آن (۰/۰۰۰۱)، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت بین نمرات ممیزی در بین دو تعاونی موفق و ناموفق، از نظر آماری معنی‌دار است. در واقع می‌توان بیان کرد که تابع حاصل از مدل مذکور می‌تواند دو تعاونی موفق و ناموفق را به طور معنی‌دار از یکدیگر متمایز نماید. در این راستا، به منظور تعیین میزان همخوانی بین نمرات ممیزی مربوط به کشاورزان در دو تعاونی موفق و ناموفق، رابطه همبستگی کانونیکال محاسبه شد. بر مبنای یافته‌های جدول ۸، ضریب همبستگی

1. Discriminant Analysis

کانونیکال برابر با ۰/۷۸ به دست آمد. مقدار این ضریب نشان می‌دهد که بین متغیر گروه و نمره ممیزی همبستگی زیادی وجود دارد. بنابراین، حدود ۰/۷۸ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. افزون بر آن، مقدار شاخص Eigenvalue نیز که معرف نسبت مجموع مربعات تفاوت نمرات ممیزی بین گروه‌ها به مجموع مربعات تفاوت نمرات ممیزی درون گروه‌هاست، برابر با ۳/۶۲ می‌باشد.

جدول ۸. مقادیر خاص

Function	Eigenvalue	% of Variance	Cumulative %	Canonical Correlation
۱	۳/۶۲۵	۱۰۰	۱۰۰	۰/۸۸۵

$$R = 0.885 \quad R^2 = 0.78$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای تعیین میزان کارایی تابع ممیزی حاصل از مدل و توانایی آن در تقسیم‌بندی صحیح دو تعاونی موفق و ناموفق، شاخص درصد صحت گروه‌بندی محاسبه گردید. بر مبنای یافته‌های جدول ۹، درصد صحت گروه‌بندی حاصل از مدل تلفیقی برابر با ۹۵/۸٪ می‌باشد. این یافته بیان می‌کند که این مدل ۹۵/۸٪ از کشاورزان مورد مطالعه را به طور صحیح طبقه‌بندی کرده و در گروه‌های واقعی قرار داده است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تلفیق متغیرهای کنش و عملکرد در قالب یک مدل می‌تواند کارایی بهتری جهت تفکیک تعاونی‌های موفق و ناموفق داشته باشد. در این شرایط، کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی با در نظر گرفتن این متغیرها توانایی بیشتری در برنامه‌ریزی و فعالیت مطلوب‌تر تعاونی‌ها خواهند داشت.

جدول ۹. گروه‌بندی حاصل از مدل تلفیقی در بین تعاونی‌های موفق و ناموفق

کل	پیش‌بینی عضویت گروه		گروه‌ها
	تعاونی موفق	تعاونی ناموفق	
۷۰	۶۶	۴	تعاونی موفق
۱۰۰٪	۹۴/۳٪	۵/۷٪	
۵۰	۱	۴۹	تعاونی ناموفق
۱۰۰٪	۲٪	۹۸٪	

درصد صحت گروه‌بندی: ۹۵/۸٪

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف شناسایی سازه‌های مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی در جنوب کرمان صورت پذیرفت. برای این منظور سه مرحله تکامل یک شرکت (شکل‌گیری و تأسیس، ثبات، و استمرار) مطالعه شدند. در هر یک از این مراحل، سازه‌ها و تعیین‌کننده‌های گوناگون و بعضاً متفاوتی مؤثرند که بر اساس مرور پیشینه تحقیق به دسته‌سازه‌های اقتصادی، فردی، ساختاری، محیطی، و فرهنگی - اجتماعی قابل‌گروهبندی هستند.

یافته‌های پژوهش در مرحله شکل‌گیری و تأسیس تعاونی تولید روستایی نشان داد در خصوص تعیین‌کننده‌های ساختاری (تعداد بهینه اعضا، روابط اداری، حمایت دولت، گروه منسجم) و فرهنگی - اجتماعی (دانش و آگاهی اعضا، روحیه کار گروهی، رضایت، مشارکت، اعتماد اعضا به شرکت و کار گروهی) تفاوت معناداری بین تعاونی‌های موفق و ناموفق وجود دارد؛ به عبارت دیگر، تفاوت شرکت‌های موفق و ناموفق در وضعیت ساختاری و فرهنگی - اجتماعی بوده است. این یافته با یافته‌های مطالعه احمدپور و همکاران (۱۳۹۳)، حیدری ساریان (۱۳۹۱)، نکویی نائینی و همکاران (۱۳۸۸)، صدیقی و درویش‌نیا (۱۳۸۱) و الکساندر (۲۰۰۹) همخوانی دارد. بنابراین، می‌توان گفت در مرحله شکل‌گیری و تأسیس این دسته متغیرها حائز اهمیت هستند.

در مرحله ثبات نیز دسته متغیرهای ساختاری، محیطی و فرهنگی - اجتماعی در تعاونی‌های موفق و ناموفق مورد توجه و مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد تفاوت معناداری در وضعیت تمامی تعیین‌کننده‌های مذکور در میان این تعاونی‌ها وجود دارد. این یافته با یافته‌های مطالعه امینی و خیاطی (۱۳۸۵)، آبوت (۲۰۰۶) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) هم‌راستا می‌باشد. بنابراین، می‌توان چنین استنباط نمود که تمامی سازه‌های ساختاری، محیطی، و فرهنگی - اجتماعی در مرحله ثبات حائز اهمیت هستند.

نتایج پژوهش نشان داد در مرحله استمرار نیز در سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد و ساختار شرکت در تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معناداری مشاهده می‌گردد. این یافته با یافته‌های مطالعه حضرتی و همکاران (۱۳۸۹)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، طالب (۱۳۸۷) و

کریشنا راج (۲۰۰۵) همخوانی دارد، در حالی که با یافته‌های مهدیان‌بروجنی و احمدوند (۱۳۹۱) همسو نیست؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی، محیط روستا، اعتماد و ساختار شرکت در استمرار فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی نقش بسزایی دارند.

در رابطه با فعالیت تعاونی‌ها نتایج پژوهش نشان داد که در فعالیت‌های بسترسازی، کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و خدمات ترویجی در تعاونی‌های موفق و ناموفق تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با یافته‌های عیدی و همکاران (۱۳۹۱) و صدیقی و درویشی (۱۳۸۱) هم راستا می‌باشد. در نتیجه چنین استنباط شد که تمامی فعالیت‌های بسترسازی، کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و خدمات ترویجی در موفقیت تعاونی‌ها حائز اهمیت هستند. یافته‌های حاصل از ارزیابی مدل ممیزی نشان داد که کنش و عملکرد تعاونی موفق در امور ساختاری و کشاورزی به مراتب مطلوب‌تر از تعاونی ناموفق بود. این یافته‌ها با یافته‌های شجری و همکاران (۱۳۸۷) و حیدری ساریان (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

بنابراین، بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- سازهای فرهنگی - اجتماعی در مراحل شکل‌گیری و ثبات تعاونی حائز اهمیت بودند، لذا برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی توانمندسازی اعضا در کار گروهی توصیه می‌شود.
- سازهای اعتماد و سرمایه اجتماعی نیز نقش مهمی در موفقیت و استمرار تعاونی دارند. بنابراین، توصیه می‌گردد کارگاه‌ها و آموزش‌های لازم در خصوص تقویت اعتماد و همبستگی گروهی اجرا گردد.
- نحوه مدیریت و مسائل آن نیز در مراحل مختلف ثبات و استمرار، یکی از تعیین‌کننده‌های مهم بود. بر همین اساس، آموزش مدیریت و دوره‌های مختلف مدیریتی در ابعاد فنی، انسانی، و ادراکی برای مدیران و هیئت مدیره این تعاونی‌ها مطلوب است.
- محیط طبیعی از دیگر عوامل تعیین‌کننده در مرحله ثبات تعاونی‌ها بود. بنابراین، گسترش فعالیت‌های تعاونی و توجه به نیازهای اعضا توصیه می‌شود.

- عملکرد فعالیت‌های کشاورزی شاخص دیگری بود که در میزان موفقیت تعاونی اهمیت داشت. بر همین اساس، برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی، نشر دانش نوین کشاورزی، توسعه منابع آبی، افزایش سطح زیر کشت و استفاده از ماشین‌آلات نوین در راستای موفقیت تعاونی‌ها می‌توانند مطلوب باشند.

- تدابیر دولتی در رابطه با ارائه اعتبارات و تجهیزات، برگزاری کلاس‌های آموزشی - ترویجی و مشاوره‌ای و تأمین منابع و نهاده‌های مورد نیاز کشاورزان باید افزایش یابد.

منابع

- احمدپور، ا.، مختاری، و. و پورسعید، ع. ر. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۷ (۳)، ۱۰۵-۱۲۲.
- ازکیا، م. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، م. (۱۳۸۲). تحلیل مبانی و نظریه‌های نظام بهره‌برداری و روند تحول آن‌ها با تأکید بر جامعه روستایی. مجموعه مقالات اولین همایش نظام بهره‌برداری کشاورزی در ایران. تهران: انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
- امینی، ا. م. و خیاطی، م. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت طرح تشکیل تعاونی‌های آب‌بران (استفاده از رگرسیون فازی). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴ (۵۳)، ۶۹-۹۱.
- امینی، ا. م. و رضایی، م. (۱۳۸۵). بررسی علل و میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی مرغداران در استان‌های مازندران و گلستان. علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳ (۲): ۱-۱۰.
- امینی، ا. و اسماعیلی، م. (۱۳۸۷). موفقیت شرکت‌های تعاون روستایی استان اصفهان و ارزیابی سازه‌های مؤثر بر آن. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۲ (۴۶)، ۲۷۳-۲۸۸.
- بذرافشان، ج. و شاهین، ح. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی شرکت‌های کشاورزی روستایی در ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام. ۲۷-۲۵ فروردین. ۱۳۸۹. زاهدان، ایران.

بهرامی، ا. (۱۳۸۶). بررسی عملکرد شرکت‌های ترویج خصوصی از دیدگاه مدیران و کارشناسان رسمی ادارات ترویج دولتی و خصوصی در استان همدان. *فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی*، ۳۳، ۲۱-۲۳.

حضرتی، م.، مجیدی، ب. و رحمانی، ب. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان خدابنده. *تعاون*، ۲۱(۳)، ۸۹-۱۰۹.

حیدرپورتونکله، ز.، شعبانعلی فمی، ح.، اسدی، ع. و ملک‌محمدی، ا. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های جنگل‌نشینان غرب استان مازندران از دیدگاه اعضا. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۱(۲)، ۲۱-۳۸.

حیدری ساریان، و. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی: شهرستان پارس‌آباد)، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۴(۲)، ۱۵۱-۱۶۵.

حیدری، ف.، نادری مهدی، ک.، یعقوبی فرانی، ا. و حیدری، ع. ق. (۱۳۹۴). شاخص‌های شناسایی تعاونی‌های موفق کشاورزی، *تعاون و کشاورزی*، ۴(۱۴)، ۳۹-۶۰.

زارع شاه‌آبادی، ا.، اسلامی، ب. و مهدی‌پور خراسانی، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر میزان سرمایه اجتماعی در موفقیت تعاونی‌های تولیدی شهر یزد، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۱، ۱۸۳-۲۱۴.

سازمان تعاون روستایی جنوب استان کرمان (۱۳۹۰). *سیمای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی جنوب کرمان*. مدیریت نظام‌های بهره‌برداری. بازیابی شده از <http://www.jiroft.corc.ir>.
سالنامه آماری استان کرمان (۱۳۹۳)، *سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان*. بازیابی شده در ۱۵ بهمن ۱۳۹۳ از <http://www.amar.kr.ir>.

سرسختی عراقی، ح. (۱۳۷۴). عوامل اجتماعی مؤثر بر عملکرد سازمانی سازمان‌های تعاونی صیادی در استان بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

شجری، ش.، باریکانی، ا. و امجدی، ا. (۱۳۸۷). تعیین کارایی اقتصادی تعاونی‌های تولید کشاورزی و عوامل مؤثر بر کارایی اقتصادی آن‌ها در استان فارس. *اقتصاد کشاورزی*، ۲ (۴)، ۱۴۱-۱۵۵.

شعبانعلی‌فمی، ح.، چوپچیان، ش.، رحیم‌زاده، م. و رسولی، ف. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران. *مطالعات زنان*، ۴ (۲)، ۸۹-۱۰۹.

صدیقی، ح. و درویشی‌نیا، ع. ا. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۳۳ (۲)، ۳۱۳-۳۲۳.

صفری، ح.، آریان‌فر، خ. و ابراهیمی، ع. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی مصرف برتر. *تعاون*، ۲۰ (۲۱۲)، ۳۱-۵۱.

طالب، م. (۱۳۸۷). *اصول و اندیشه‌های تعاونی*. تهران: دانشگاه تهران.

عیدی، س.، سعدی، ح. ا. و حسینی‌نیا، غ. ح. (۱۳۹۱). سنجش عوامل مؤثر بر میزان موفقیت تعاونی‌های برتر در شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۲ (۷)، ۳۹-۵۱.

کرمی، ش. و آگهی، ح. (۱۳۹۲). تحلیل اثر عوامل فرهنگی - اجتماعی بر موفقیت تعاونی‌های تولیدی محصولات خارج از فصل استان کرمانشاه. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۴ (۲)، ۲۵۹-۲۶۹.

کمالیان، ا. ر. (۱۳۸۶). *بررسی موفقیت و عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی مصرف*. اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان.

کوپاهی، م. (۱۳۸۶). *اصول اقتصاد کشاورزی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لطیفیان، ا. (۱۳۸۵). بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی کشاورزی استان خراسان بزرگ: دو ماهنامه دانشور رفتار، ۱۳ (۲۰)، ۶۱-۸۴.
- مختاری، ا.، شعبانعلی فمی، ح.، اسدی، ح. و دستگردی، ز. (۱۳۸۷). تحلیل تبیین راهکارهای بهینه خدمات‌رسانی کشاورزی، مطالعه موردی: بخش مرکزی میانه. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۹ (۲)، ۱۸۵-۱۹۵.
- مه‌دیان بروجنی، م. و احمدوند، م. (۱۳۹۱). تعیین‌کننده‌های فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در شهرستان بروجن. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۸ (۱)، ۱۷-۳۲.
- نکویی‌نائینی، ع.، علی‌بیگی، ا. ح. و زرافشانی، ک. (۱۳۸۸). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی شهرستان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۴)، ۱-۲۲.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۲). گزارش عملکرد تعاونی‌های روستایی. بازیابی شده از <http://www.mcls.gov.ir>
- Abbot, M. (2006). *The economics of non-formal education: Resources, costs and benefit*. New York: Prger, pp20.
- Adrina, J. L., & Wade Green, T. (2001). Agricultural cooperative managers and bossiness environment. *Journal of Agribusiness*, 19(1), 17-33.
- Alexander, W.G. (2009). *Cooperation in the European Market Economics*. Bombay: Asia Publishing, 540-549.
- Briscoe, T. (2010). Making worker cooperatives effective in South Pacific. *Journal of Pacific Countries*, FAO Regional Office for Asia and the Pacific, Bangkok, pp. 243-248.

- Bruynis, S. (1997). *Grower and manager issues in fruit and vegetable cooperatives*, Retrieved from Meeting . Retrieved from <http://www.agecon.kus.edu/acec/ner194>.
- Carlo, R. D., Weatherspoonb, C., & Peteronb, M. (2000). Effects of managers power on capital structure: A study of Italian agricultural cooperative. *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27-39.
- Hardesty, S. (2006). *Positioning California's agricultural cooperatives for the future*, Rural Cooperatives Center in Department and Resource Economics.
- Hendrikse, G. W. J. (2005). *Boards in agricultural cooperatives: Competence, authority, and incentives*. Retrieved from <http://www.hdl.handle.net/1765/6883>.
- International Co-operative Alliance (ICA) (2010). *Statistical information on the cooperatives movement*. Retrieved from <http://www.ica.coop/members>.
- Krishnaraj, M. (2005). *Establishment of rural cooperatives: An essential step towards rural development*. Unpublished paper. *Institute of Business Administration*. University of Dhaka.

Factors Related to Success of Rural Production Cooperatives in the South of Kerman Province

*M. Faryabi*¹, *M. Ahmadvand*^{2*}

Received: 10/06/2015 Accepted: 18/11/2015

Abstract

The main purpose of this study was to assess the factors that influence the success of rural production cooperatives in the South of Kerman province using descriptive-correlational design with the participation of 120 members of two Rural Production Cooperatives (RPCs) in the region (one successful and one failed RPCs). Therefore, participants were interviewed with the aid of a questionnaire containing both open and closed-ended questions. Face validity was confirmed by experts, and the questionnaire was subjected to reliability testing by using data collection in the pilot study with Cronbach's Alpha value of 0.50 to 0.97. Comparative analysis revealed that suitable environmental and socio-culture condition were the key determinants for the establishing stage. Findings also showed that the desirable economic, personal, structural, environmental, and socio-cultural situations were important in stabling stage. This is while; the village's environment, social capital, trust and cooperative structure were key determinants in the durability stage. Discriminate analysis showed that trust and cooperative structure were the most important significant factors to discriminate cooperatives.

So, based on these findings, it is suggested that for empowering members in team working, some workshops and training courses need to be held. Also, it is essential to expand cooperative activities according to the needs of the members.

Keywords: Rural Production Cooperative (RPC), Agricultural Development, Cooperative Success, South of Kerman

1. Former Master Student, Department of Rural Development, Yasouj University, Yasouj, Iran

2. Associate Professor, Department of Rural Development, Yasouj University, Yasouj, Iran

* Corresponding Author

E-mail: mahmadvand@yu.ac.ir